

ارزیابی از جنبش اعتراضی و آزادیخواهانۀ مردم ایران (جنبش سبز)، اهداف مرحله ای، برخی ارزش ها و روش های ما

نادر عصاره

اشاره : برای پاسخ به برخی پرسش های سیاسی کنونی و برای فراهم ساختن یک استراتژی روشن، از چندی پیش گفتگوهایی را به شکل فردی و جمعی با چند تن از رفقایم، فرزانه عظیمی، مسعود فتحی، رضا اکرمی، پرویز نویدی و محمد اعظمی، سازمان دادم. یکی از نتایج این گفتگوها، مطلبی است که در اینجا ملاحظه می کنید. این سند در اساس مورد تأیید شش نفر ماست. در تهیه این سند به مراجعه به جمع محدود نامبرده بسنده شد تا امکان جمع بندی ساده تر گردد. اما این محدودیت، مانع بهره مندی سند مورد پذیرش جمع ما از نقدها و نظرات بیشتری شده است. اکنون خوشوقتم که این سند را در جریان مباحث تدارک کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران منتشر می کنم. از یاران و دوستان و تمامی علاقمندان به جنبش سیاسی تقاضا داریم که ما را از نقد و نظر خود برخوردار نمایند تا این سند پس از اصلاح و تکمیل، در معرض تصمیم گیری در کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، قرار گیرد. امیدوارم بتواند در بهنگام کردن سازمان ما در شرایط برآمد جنبش همگانی و اعتراضی مردم ایران، موثر افتد.

نادر عصاره

هفتم تیرماه 1389

بیست و هشتم ژوئن 2010

ارزیابی از جنبش اعتراضی و آزادیخواهانۀ مردم ایران (جنبش سبز)،
اهداف مرحله ای، برخی ارزش ها و روش های ما

۱- جنبش اعتراضی و آزادیخواهانۀ مردم ایران

۱.۱ - جنبش اعتراضی اخیر که به عنوان جنبش سبز شناخته می شود، یک جنبش گسترده از نیروهای مخالف استبداد در کشور است. این جنبش، که در جریان انتخابات شکل گرفت و با مقاومت در برابر کودتا گسترش یافت، جنبشی است مسالمت آمیز، مطالباتی و حق طلبانه؛ با روش های متمدانۀ خود بلوغ سیاسی مردم ایران را به نمایش گذاشته است و با استفاده از همه ابزارهای مدرن جهان امروز در اعلام وجود و انتشار پیام خود، تحسین جهانیان را برانگیخته است و نشان داده است که در ایران علیرغم حکومت ترور و سرکوب خشن و ضد انسانی، مردمی زندگی می کنند، که در صفوف میلیونی و متمدانۀ از حقوق ابتدایی خود دفاع می کنند و با مسالمت و متانتی کم نظیر، خواستار پایان دادن به حکومت زور و سرکوب هستند. این جنبش نتیجه و ادامۀ جنبش های پیش از خود، در دوران سی سالۀ حیات جمهوری اسلامی است؛ بازتاب مقابله میان جامعه مدنی و قدرت دولتی بر سر حقوق شهروندی، مدنی، سیاسی و اجتماعی است. پیش درآمد آن، جنبش مطالبه محوری و حضور جنبش های اجتماعی در صحنۀ جامعه، به خصوص در دو دهۀ اخیر است.

۱.۲ - نیروی محرکه جنبش، نیروهای مدرن جامعه، جوانان، زنان، کارگران، صنعتگران، کارمندان، معلمان، دانشگاہیان،... هستند. نیروهای فعال آن اقشار میانی شهری هستند. در این جنبش، فعالان جنبش های اجتماعی به خصوص زنان و جوانان، نهادهای مدنی، احزاب و جریانات سیاسی معترض درون و بیرون نظام جمهوری اسلامی، نقش سازمانگرنۀ برجسته

ای ایفا می کنند. تا کنون آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی در برابر استبداد حاکم ایستادگی نموده اند. ایستادگی و مقاومت این دو، نقش بارزی در گسترش و دامنه این جنبش داشته است.

۱.۳- گرایش‌های درون جنبش: در این جنبش نیروهای معتقد به جمهوری اسلامی و نیز مخالف جمهوری اسلامی حضور دارند و در برخورد به نظام موجود، دو موضع متفاوت دارند. بخشی خواهان اصلاح آن و اجرای بی‌تنازل قانون اساسی هستند و بخشی دیگر، قانون اساسی کنونی را سرمنشأ تمامی تبعیضات موجود و سند رسمیت ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه می‌دانند و خواستار تغییر آن هستند.

۱.۴- چالش‌ها، نقاط ضعف و دشواری‌های جنبش: جنبش کنونی در تهران و شهرستان‌های بزرگ متمرکز و متکی به حضور پررنگ اقشار میانی شهری است. هنوز بخش مهمی از مردم کشور در این جنبش فعال نیستند. ضعف حضور و همراهی بخشی از جنبش‌های اجتماعی، حذف شدگان در طول ۳۰ سال حکومت پر از تبعیض جمهوری اسلامی؛ نیروهایی که به دلیل جنسیت، هویت سیاسی یا مذهب، عقیده، ملیت و قومیت متفاوت مورد تبعیض قرار گرفته‌اند، از جمله دشواری‌های کنونی آن است. نیروها و احزاب سیاسی مخالف جمهوری اسلامی، کارگران و کارکنانی که از حق تشکل، اعتراض و اعتصاب در طول سی سال گذشته محروم بوده‌اند، فعالان جنبش زنان، جنبش‌های هویت طلب ملی و قومی که همواره هدف مقدم سرکوب حکومت بوده‌اند، هنوز کاملاً به این جنبش نپیوسته‌اند. و بالاخره هنوز شهرهای کوچک و حاشیه در این جنبش غایب‌اند. خلاء گفتمان دموکراتیک، و پافشاری بر نگاه ایدئولوژیک و مذهبی، ادامه تلفیق دین با حکومت در بیانیه‌ها و گفتارهای بخش مهمی از نیروهای معتقد به جمهوری اسلامی در جنبش سبز، از ضعف‌های دیگر جنبش کنونی است.

۱.۵- جایگاه جنبش چپ در جنبش کنونی: جنبش چپ در عین تأکید بر اختلافات خود با نیروهای دیگر در درون جنبش کنونی، به ویژه مدافعان حفظ نظام موجود، باید:

- با حضور فعال خود جنبش آزادیخواهانه را تقویت کند؛
- مواضع مغایر با آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در جنبش را مورد نقد قرار دهد؛
- در عین همگامی، گفتمان انتقادی در میان نیروهای جنبش را پاس دارد؛
- جدائی دین از دولت، برابرحقوقی همه شهروندان فارغ از جنسیت، مذهب و ملیت و قومیت آنان، رعایت بی‌کم و کاست بیانیه جهانی حقوق بشر، ابطال مفاد مغایر با این منشور در تمامی قوانین را خواستار شود؛
- گفتمان دموکراتیک را ترویج کند، برای ارائه برنامه اثباتی تلاش کند و صاحب نظران و کارشناسان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را، جهت ارائه طرح‌ها و گفتمان‌های ضروری برای یک تحول دموکراتیک، تشویق نماید.

۲ اهداف مرحله ای ما

۱.۲- هدف مرحله ای ما استقرار دموکراسی، تأمین آزادی‌ها و حقوق شهروندی و ایجاد امنیت، صلح و رفاه اجتماعی در ایران است. اعمال حق حاکمیت ملت و زمینی و پاسخگو کردن قدرت به شهروندان، هدف مقدم و آماج ملی ماست. بسیج همه نیروها و جنبش‌های مدنی برای تغییر وضعیت کنونی سرلوحه کار ماست. شرط موفقیت گذار به دموکراسی، حضور همه نیروهای ذینفع در آن است. آماج ملی با بسیج فراگیر ملی به دست خواهد آمد.

انتخابات آزاد به عنوان یک خواست مشروع و ملی در راس برنامه عمل ما قرار دارد و شعار محوری ماست. مخاطب این شعار عقلانیت همه آحاد ملت، دعوت به پذیرش قضاوت رای مردم در تعیین سرنوشت جامعه است. لازمه برگزاری انتخابات آزاد تأمین پیش شرط‌های آن، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، آزادی عقیده و بیان و آزادی فعالیت احزاب مخالف نظام موجود و ابطال تمامی قوانین تبعیض آمیز در این زمینه است.

ما برای استقرار یک جمهوری در ایران مبارزه می‌کنیم که در آن همه نیروها از حق حضور و فعالیت آزادانه برای به دست گرفتن سکان قدرت سیاسی برخوردارند. پلورالیسم سیاسی حاکم است. اصل، به رسمیت شناختن حقوق همه در رقابت و مشارکت سیاسی است. تنها مرجع قضاوت در مورد کارنامه نیروهای سیاسی، رای شهروندان کشور است. ابطال قانون اساسی جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک قانون اساسی منبعث از اصول و موازین دموکراتیک و منطبق با بیانیه جهانی حقوق بشر و ضوابط آن، با تکیه به آراء مردم، هدف ماست.

۲.۲- **اهداف جنبش های اجتماعی:** آماج هر کدام از جنبش های اجتماعی جزء جدائی ناپذیری از برنامه سیاسی ما برای ایران دموکراتیک است. آزادی های فردی و شهروندی مطالبه مشترک تمامی آحاد ملت ایران است. خواسته های کارگران و زحمتکشان در شرایط حاد بحران اقتصادی حاکم بر کشورمان، مطالبات و مبارزات برای آزادی پوشش و آزادی انتخاب شغل و برخورداری از موقعیت برابر با مردان در همه امور، مطالبات ملیت ها و اقوام، خواسته های فرهنگی، مذهبی، جنسی، طبقاتی و ... اجزاء لاینفک برنامه عمل ما و موضوع مبارزات روزمره مردم هستند. ایجاد جامعه مدنی محصول گسترش جنبش های اجتماعی و قدرتمندی آن ها است. ایجاد تشکل ها و نهادهای مدافع گروه های مختلف اجتماعی، محاصره مدنی استبداد را ممکن می سازد و می تواند با سازمان دادن کنترل از پائین، استمرار و پایداری تحولات دموکراتیک را تضمین کند.

۳- ملت، ملیت ها

ملت ایران را مجموعه شهروندان کشور فارغ از نژاد و تبار، مذهب و ملیت، تشکیل می دهند که از حقوق برابر برخوردارند و به عنوان شهروند در تعیین سرنوشت آن سهیم اند. ملت ایران، مرجع مشروعیت هر حکومتی است. ظرف دموکراتیکی است که افراد و آحاد مختلف در آن از آزادی و حقوق برابر برخوردارند و شرایط رشد و شکوفائی جامعه از طریق راه حل های مورد وفاق عمومی که نهایتاً با آراء آن ها بیان می شوند، تحقق می یابد.

ملیت ها و قومیت های متعددی در کشور ما حضور دارند، اما هم در رژیم گذشته و هم در دوران جمهوری اسلامی زبان ها و فرهنگ ها و هویت های متفاوت از هویت رسمی، همواره مورد تبعیض بوده اند. در دوران جمهوری اسلامی تبعیض خشن مذهبی هم بر آن ها افزوده شده است. رفع همه این تبعیض ها، تامین حقوق دموکراتیک ملیت های متنوع کشور و ایجاد شرائط لازم برای رشد آزادانه فرهنگ و هویت آن ها از الزامات استقرار و تثبیت دموکراسی در ایران است.

خواست ما :

- سپردن اداره امور مناطق مختلف ایران، به منتخبان محلی، از جمله در شکل فدراتیو، و محدود نمودن اختیارات دولت مرکزی به امور کشوری، هم چون سیاست خارجی، دفاعی، آموزش و پرورش عمومی و بودجه و برنامه ریزی کلان اقتصادی و همه اموری که مربوط به کل کشور می شود.
- استفاده از زبان فارسی به عنوان زبان مشترک مردم ایران و آموزش زبان مادری در مناطق ملی، با توجه به اکثریت جمعیت هر منطقه و تدریس زبان های موجود در ایران در دانشگاه ها.

۴- ارزش ها و روش های ما

۴.۱- **دموکراسی، حقوق بشر، سوسیالیسم یا عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست ارزش های ماندگار بشریت و راهنمای فعالیت ما هستند.** تحقق اصول جهانشمول حقوق بشر، تامین آزادی بدون قید و شرط عقیده و بیان و آزادی تشکل، بستر اجتماعی تحقق دموکراسی و مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت کشور از طریق انتخاب آزادانه راه و روش زندگی فردی، سیاسی و اجتماعی خویش است.

دموکراسی احترام به رای افراد و آحاد ملت، گردن نهادن به قضاوت آراء شهروندان کشور و پذیرش نتیجه انتخاب آنان است. مخالفت با استبداد الزاماً به معنی دمکرات بودن هیچ نیروئی نیست. دموکراسی با طرح شعارهای فراخور مطالبه روز بنیاد نمی گیرد. لازمه ایجاد یک نظام دمکراتیک، پذیرش و احترام به قواعد دموکراسی و پایبندی به ارزش ها و فرهنگ دمکراتیک، در جریان مبارزات از همین امروز است.

حقوق بشر عیر قابل تفکیک، جهانشمول و وقفه ناپذیر اند. اقلیت و اکثریت پذیر نیستند.

عدالت اجتماعی خواست اساسی کارگران و دیگر زحمتکشان ایران است. ما برای ایجاد فرصت های برابر برای همه افراد و آحاد مردم و تامین حداقل های ضرور برای رفاه و آسایش فرد از سوی جامعه، تلاش می کنیم.

حفظ محیط زیست، جلوگیری از تخریب جنگل ها، آلودگی رودخانه ها، خشکیدن دریاچه ها، و استفاده بهینه و مسئولانه از منابع طبیعی کشور و به طور کلی حفظ و صیانت از حیات و سیاره ما، لازمه یک توسعه پایدار است.

۴.۲- **روش ما:** مشارکت در مبارزات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گروه های مختلف مردم برای تامین حقوق و آزادی های خویش و تلاش برای ایجاد شرائط جابجائی مسالمت آمیز قدرت دولتی از طریق رای مردم است.

تقویت جامعه مدنی، ایجاد و گسترش نهادهای مدنی، تقویت خودحکومتی مردم در سطوح مختلف، به رسمیت شناختن استقلال موسسات و نهادهای صنفی، علمی، پژوهشی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی از دولت و محدود نمودن حوزه قدرت دولتی در چارچوب قانون، چشم انداز ما در گذار به دموکراسی و استحکام آن است. اشاعه فرهنگ و اندیشه دموکراتیک، احترام به حق غیر و طرد فرهنگ حذف مخالف، ارتقاء روحیه مدارا، اعتماد و همبستگی میان مردم، مهم ترین عرصه های مورد علاقه و توجه ماست.

۴.۳- روش ما در گذار از استبداد به دموکراسی کاربست اشکال مسالمت آمیز مبارزه، مقاومت مدنی، تظاهرات خیابانی، اعتصاب، تحریم نهادها، مراسم و مناسبت های حکومتی است. ما متمدنانه ترین شیوه حل اختلاف سیاسی را مراجعه به آراء عمومی، قضاوت صندوق های رأی و پذیرش نتایج حاصل از آن می دانیم. هر گاه حکومت در برابر خواسته های حق طلبانه مردم با خشونت دولتی سرکوب را ادامه دهد ما قیام علیه جباریت را حق طبیعی مردم می دانیم.